

## بازشناسی و تحلیل نابرابری‌های اجتماعی - فضایی اسکان در جامعه شهری تهران

صلاح‌الدین قادری<sup>۱</sup>، نگار رمزی<sup>۲</sup>، نورالدین فراش<sup>۳</sup>

### چکیده

در شهر تهران، نابرابری‌های اجتماعی - فضایی به دلیل تعاملات پیچیده بازارهای زمین و مسکن از یک سو و ارتباط آن‌ها با اشتغال، توزیع و کیفیت خدمات از سوی دیگر، یک موضوع جدی است. پژوهش حاضر از نظر هدف در حوزه پژوهش‌های کاربردی، از نظر جامعه آماری کل محدوده آماری شهر تهران در سطح مناطق ۲۲ گانه و روش بررسی تحلیل ثانویه است. جهت نیل به هدف تحقیق در این مطالعه از "داده‌های آمارنامه شهر تهران (سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۳۹۶) و اطلاعات مربوط به وضعیت اشتغال و گروه‌های شغلی از طرح گونه‌شناسی فرهنگی، اجتماعی و هویتی محلات شهر تهران و شناسایی الگوهای همسایگی و اجتماعات محلی (۱۳۹۶)" استفاده شد. داده‌های مورد نیاز در قالب نقشه با استفاده از GIS و GeoDa مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بر اساس شاخص مورانز آی و لیس نتایج نشان داد، نواحی شمالی و جنوبی شهر تهران از نظر وضعیت شاخص‌های میزان باسوادی، قیمت زمین، پسماند شهری، نسبت اشتغال، افراد خانه‌دار، متخصصان، صنعتگران، گروه شغلی کارگران ساده، میزان بافت فرسوده و نسبت آپارتمان‌نشینی شرایط نامتوازن و ناهمگونی را تجربه می‌کند. الگوی توزیع فضایی متغیرها در مناطق ۲۲ گانه بیانگر این است که شهر تهران گرایش به دو قطبی شدن بخش شمال - جنوب دارد. در مجموع می‌توان گفت اگرچه نسبت اشتغال و خانه‌داری، متخصصان، صنعتگران،

salahedin.gh@khu.ac.ir

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

ramzi.negar74@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

n\_farrash@ut.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

کارگران ساده و متغیرهای میزان باسوادی، نسبت آپارتمان‌نشینی، میزان بافت فرسوده و میزان پسماند و قیمت زمین در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ با شدت و ضعف متفاوت حالت خوشه‌ای دارند اما گروه‌های تحصیلی باسواد، نسبت اشتغال، نسبت آپارتمان‌نشینی، قیمت زمین و گروه شغلی کارگران ساده بیش‌ترین تراکم فضایی با گروه‌های مشابه و جدایی‌گزینی فضایی را دارند. نتایج دلالت بر آن دارد که فضای شهری تهران به صورت خوشه‌ای سرشار از عدم تعادل‌های اجتماعی و در حال تجربه‌ی نابرابری‌های اجتماعی - فضایی چشم‌گیری میان قشرهای مختلف اجتماعی است و آنچه که در واقعیت وجود دارد روز به روز بر نابرابری فضایی افزوده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** نابرابری اجتماعی، دو قطبی شدن، فضا، کلانشهر تهران.

### مقدمه و بیان مسئله

از زمان تلاش‌های اولیه مکتب شیکاگو، نابرابری اجتماعی - فضایی موضوع مهم مطالعات شهری و جامعه‌شناسی بوده است (ون‌کمپن و ویسینک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). مسی<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) فضا را به عنوان روابط اجتماعی تعریف می‌کند که در داخل جغرافیا ساخته و شکل می‌گیرد. فضاها متشکل از منابع انسانی و طبیعی هستند که با تعامل یا محدود کردن روابط اجتماعی فضاها را اجتماعی منحصر به فردی را ایجاد می‌کنند. این روابط اجتماعی - فضایی سیستم‌های نابرابری را در بر می‌گیرد (بورديو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰ و مندرشاید<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). علاوه بر این، روابط اجتماعی - فضایی در طول زمان تغییر می‌کند، همانطور که مرزها و ویژگی فضاها تغییر می‌کند. روابط اجتماعی در مکان‌های مختلف به‌طور متفاوتی برهم‌کنش دارند (هاگینز و تامپسون ۲۰۱۵؛ لوبائو ۲۰۰۴). فضا را می‌توان بخشی از مجموعه‌ای ناهمگون (به تعبیر فوکو) متشکل از گفتمان‌ها، نهادها، قوانین و گزاره‌های فلسفی و اخلاقی با هدف تنظیم و نظم بخشیدن به اعمال و شکل‌دهی روابط دانست. اگرچه فضا تعیین‌کننده اعمال نیست، اما کنش‌های خاصی را ایجاد یا تحریک می‌کند و می‌توان آن را نوعی قدرت در حوزه اجتماعی تعامل دانست (پلاگر، ۲۰۰۸). از این نظر، مناطق همگن نیستند، بلکه نتیجه فرآیندی هستند که طی آن گروه‌های اجتماعی

1 - Van Kempen and Wissink

2 - Massey

3 - Bourdieu

4 - Manderscheid

خاص (خانوارهای فقیر، مهاجران، انواع اقلیت‌ها)، زیرساخت‌ها یا امکانات (مدارس، پارک‌ها، فروشگاه‌ها، صنایع و غیره) خوشه‌بندی می‌شوند (سامپسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی بین مناطق یک شهر، پدیده‌ای جدید در جهان نیست. اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن شکاف اجتماعی و نابرابری در توزیع خدمات شهری، تفاوت‌های فضایی شهرها تشدید شده است (عبدی‌دانشپور، ۱۳۸۵). نابرابری پدیده‌ای چند وجهی با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی، زیست محیطی و سیاسی است. نابرابری اجتماعی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن عوامل مؤثر بر فعالیت‌های انسانی در زمینه‌های مختلف مانند فرصت‌ها، منابع و قدرت به طور ناعادلانه توزیع می‌شوند. نابرابری فضایی یکی از ابعادی است که به ویژه در توسعه شهری اهمیت یافته است. نابرابری فضایی افق زندگی شهری را شکل می‌دهد. بر تحرک، ارزش‌داری‌ها، زیرساخت‌ها، مسکن و همچنین دسترسی به بهداشت و آموزش تأثیر می‌گذارد. روایت‌های «مرکز» و «پیرامون» را تعیین می‌کند و بینش‌هایی را در زمینه‌ی توزیع منابع و چالش‌های مرتبط با آنها نمایان می‌سازد و سیاست‌های شهری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (سوون، ۲۰۱۰). بنابراین نابرابری اجتماعی - فضایی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن نابرابری‌های قابل توجهی ایجاد می‌شود. زیرا خدمات و منابع به طور مساوی در فضاهای مختلف توزیع نشده‌اند، بدین صورت نابرابری‌های اجتماعی در الگوهای فضایی تجلی می‌یابند (هان، ۲۰۲۲).

نابرابری‌های اجتماعی از نظر ساختاری بازتولید می‌شود و در نهایت به صورت جدایی‌گزینی فضایی خود را نشان می‌دهد که باگذشت قرن‌ها از پیدایش شهرنشینی، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها در روند شکل‌گیری و جدا کردن گروه‌های مختلف اجتماعی در شهرها می‌باشد (پیکوت، ۲۰۲۱ و نایتینگل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). جدایی‌گزینی پدیده‌ای است که به انواع و درجات مختلف وجود دارد. به ندرت یک گروه کاملاً جدا شده را می‌یابیم (یعنی وضعیتی که در آن افراد متعلق به یک گروه اجتماعی مشابه، بدون حضور گروه‌های دیگر در یک منطقه از شهر زندگی کنند). در عوض، افرادی که دارای ویژگی

1 - Sampson

2 - Nightingale

مشترک هستند، تمایل دارند در مناطق خاصی از شهر جمع شوند، بدون اینکه لزوماً تنها افرادی باشند که در آنجا زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر محله‌های مختلفی وجود دارد که گروه خاصی در آن‌ها حضور دارند و کم‌وبیش از دیگری تفکیک شده است.

جدایی‌گزینی می‌تواند مثبت نیز باشد و لزوماً یک مسئله منفی نیست. به‌ویژه اگر نتیجه انتخاب آزاد باشد (ون‌هام و تامارو، ۲۰۱۶). زندگی در میان افراد مشابه می‌تواند مزایای عمده‌ای داشته باشد، زیرا می‌تواند تعارض را کاهش و به مردم احساس امنیت دهد و شبکه‌های اجتماعی را تقویت کند. مردم با زندگی در مناطقی با افراد دارای ترجیحات، نیازها و سبک زندگی مشابه نیز می‌توانند از مزایای خدمات و امکانات مشترک (مانند مغازه‌ها، امکانات فرهنگی و مذهبی) برخوردار باشند. نکته مهم دیگری که باید بیان کرد این است که نابرابری لزوماً یک مشکل نیست. همیشه سطحی از نابرابری در شهرها وجود دارد. نابرابری زمانی مشکل است که گروه قابل‌توجهی از مردم در پایین‌ترین سطح توزیع قرار دارند که ابزار کافی برای تحمل هزینه‌های زندگی روزمره ندارند (ون نام و فیچمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ کلارک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). سطوح شدیدتر جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی اغلب توسط دولت‌ها نامطلوب تلقی می‌شوند، حتی زمانی که جدایی-گزینی غیرارادی باشد. زیرا این خطر وجود دارد که وقتی افراد مرفه و فقیرتر زندگی جداگانه‌تری داشته باشند، ممکن است منجر به بیگانگی و ترس برای دیگران شود. به‌ویژه زمانی که مرزهای فضایی بسیار واضحی در داخل شهرها وجود دارد، صادق است (ون‌هان، ۲۰۱۶).

نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله نابرابری در دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری همچون؛ حمل و نقل عمومی، آموزش، خدمات بهداشتی - درمانی، درآمدی و ... از جمله مواردی هستند که به پدیده جدایی‌گزینی در شهر فرصت پیدایش، رشد و نمو داده و همچنین به شکل چرخه‌ای معیوب به‌عنوان عوامل ایجادکننده و یا تشدیدکننده جدایی‌گزینی عمل می‌کنند. نتایج و عواقب چنین پدیده‌ای را می‌توان در ابعاد مختلف از جمله رشد و توسعه سریع و بی‌برنامه حومه‌های شهری (بدون

---

1 - Van Ham and Feijten

2 - Clark

استانداردهای لازم جهت زندگی)، پراکنده رویی، تنزل و از بین رفتن پویایی، سرزندگی عمومی و اجتماعی در شهر، فقر و بیکاری، بالا رفتن مشکلات روانی - اجتماعی و میزان وقوع جرم، جنایت، فرسودگی کالبدی و به مخاطره اندازی همه‌جانبه آینده شهر و... مشاهده کرد. می‌توان گفت که رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه هم‌زمان با سیاست‌های شهری گمراه‌کننده، یک نظم انحصاری شهری را ایجاد کرده است که بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی را بازتاب و تکثیر می‌کند. معمولاً شدت نابرابری‌ها در شهرهای بزرگ (همچون تهران) بیش از شهرهای کوچک است و نابرابری‌های عمده (ناشی از علل اقتصادی - سیاسی)، جلوه فضایی یافته‌اند و منجر به شکل‌گیری «فضاهای نابرابر شهری» شده‌اند (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۸۹: ۱۷۷ به نقل از لطیفی و باباگلی، ۱۳۹۳). جداسازی جنبه اجتماعی قوی نیز دارد، زیرا افراد با پیشینه‌های مختلف معمولاً در مناطقی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی متفاوت زندگی می‌کنند و در معرض انواع مختلف فرصت‌ها قرار می‌گیرند. به عنوان مثال محله‌ها و مناطق پایین‌تر فرصت‌های کمتری را برای مشارکت در برخی مشاغل، بدون توجه به درجه جدایی‌گزینی، فراهم می‌کنند. از این رو، به نظر می‌رسد اقامت در محله‌های ضعیف اجتماعی-اقتصادی موانعی برای ادغام ایجاد می‌کند، که ممکن است چالش برانگیز باشد. همچنین محله‌ها و مناطق جدایی‌گزين شده، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را در زمینه برخی مشاغل ایجاد کند (ویکس و پترسون، ۲۰۲۰). اشتغال افراد ممکن است تحت تأثیر تجربیات دوران کودکی آنها قرار گیرد که شامل ویژگی‌های محله یا محله‌هایی باشد که در آن بزرگ شده‌اند.

با توجه به تغییرات شرایط زیستی، نوع مشاغل و سبک زندگی شهروندان ۸۰ درصد از مردم شهر تهران آپارتمان‌نشین و ۶۶ درصد از آپارتمان‌ها زیر ۱۰۰ مترمربع هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). تهران از لحاظ کالبدی دارای نواحی و مناطق متفاوت و گوناگون است، به این دلیل، افزایش فاصله اجتماعی، اقتصادی و توزیع نابرابر امکانات و خدمات آن را به شهری ناهمگن در محیط اجتماعی تبدیل کرده است (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

نابرابری اجتماعی - فضایی در شهر تهران به عنوان بزرگترین کلانشهر ایران، به صورت شدید و گسترده وجود دارد که با پراکنده روی، حاشیه‌نشینی، قطبی شدن درآمدی و تغییرات مخرب محیط پیرامون و به‌ویژه نابرابری فضایی گسترده در سیستم مسکونی شهر تهران همراه بوده و قابل‌شناسایی است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۰؛ عبدی-دانشپور و شفیعی، ۱۳۹۸؛ راغفر و همکاران، ۱۳۹۲ و مدنی پور، ۱۳۸۱). مشکل مسکن در تهران، که باید آن را از یکسو، پاره‌ای از یک مشکل فراگیر در سطح ملی و از سوی دیگر پاره‌ای از مجموعه مشکلات شهری این شهر شمرد، ابعاد گوناگونی دارد که در افزایش بهای مسکن، کمبود مسکن مناسب گروه‌های اجتماعی - اقتصادی فرودست، فرسودگی مسکن و یورش سوداگران ملکی به مسکن فرسوده و غیر فرسوده نمایان شده و در نابرابری فضایی، تجلی می‌یابد. حضور ناکامل و ناکافی بخش عمومی در عرضه مسکن، بازار مسکن این شهر را میدان هم آورد بخش خصوصی ساخته است (عبدی-دانشپور و شفیعی، ۱۳۹۷: ۲۸۳). همچنین دسترسی، استفاده، تولید، توزیع و مصرف فضاهای عمومی شهری و تأثیرات اجتماعی آن بر روی شهروندان امروزه به موضوعی مهم در جامعه‌شناسی شهری تبدیل شده است.

بدون شک جمعیت شهرنشین نیازمند فضاهایی برای برقراری تعامل اجتماعی هستند که متناسب با نیازها و خواسته‌های متنوع شهروندان باشد. به موازات توسعه جغرافیایی و کالبدی، فقر فضایی و توزیع نابرابر آن در مناطق مختلف شهر نیز خود را نشان داد (موسوی و صمدی، ۱۳۹۲: ۳۳). در شهرها، جدایی‌گزینی فیزیکی بین افراد و یا بین فعالیت‌ها ارتباطی مستقیم با ویژگی‌های فضایی دارد، حقیقتی که مسئله نابرابری‌های اجتماعی - فضایی را برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری به یک نگرانی تبدیل ساخته است. اکنون با توجه به رشد سریع جمعیت، تمایل و سوق به شهرنشینی و افزایش ناگهانی و روند فزاینده رشد جمعیت شهرنشین، لزوم ساخت و حفظ محیط‌های شهری سالم و متعادل، که دربردارنده طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و طبقات اجتماعی در کنار هم می‌باشد، به وضوح احساس و درک می‌شود. ایجاد و حفظ تعادل و برابری به معنای هم‌زیستی مناسب افراد از ریشه‌ها، تاریخچه، فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و سبک‌های متفاوت زندگی در محیط شهری در قالب یک کل منسجم از لزوم شهرهای امروزی و

آینده محسوب می‌گردد. نابرابری و جدایی‌گزینی فضایی از جمله موانع عمده و اساسی در رسیدن به چنین شهرهایی محسوب می‌شود و ضروری است تا با دقت و سرعت هرچه بیش‌تر از سر راه برداشته شود و جای خود را به حفظ تنوع در عین انسجام و پیوستگی اجتماعی دهد. همچنین اگر چه مفاهیم فضایی و فاصله اجتماعی از دیرباز برای تبیین محیط اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است، اما اهمیت اجتماعی شغل، به ندرت به صورت مکانی و فضایی اعمال شده است و درک اینکه چگونه نابرابری اجتماعی - فضایی با قطبی شدن رفتارهای اجتماعی مرتبط است، بسیار مهم است. براین اساس پژوهش حاضر به دنبال بازشناسی و تحلیل نابرابری‌های اجتماعی - فضایی اسکان در جامعه شهری تهران در سطح مناطق ۲۲ گانه است.

### پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در زمینه نابرابری‌های اجتماعی - فضایی، دسترسی به خدمات شهری و سنجش آن صورت گرفته است. به عنوان مثال غفاری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود بیان کردند که بلوک‌های شهر اردبیل به لحاظ شاخص‌های کیفیت مسکن در وضعیت نابرابر قرار دارند به گونه‌ای که، محلات و مناطق واقع در بخش‌های شمالی و شمال غربی به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کیفیت مسکن در وضعیت نامطلوبی می‌باشند و محلات مرکزی و جنوبی شهر از این نظر از وضعیت بهتری برخوردار می‌باشند. الگوی توزیع نابرابری شاخص‌های کیفیت مسکن در شهر اردبیل به صورت خوشه‌ای بوده و همچنین بین کیفیت مسکن و طبقات اجتماعی در شهر اردبیل رابطه معناداری وجود دارد. قلعه‌نویی و ثابت (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که پارامترهایی چون بی‌سوادی، بیکاری و مهاجرت از عوامل جدایی‌گزینی در برخی محلات (همچون طوقچی، خیابان لاله، زینبیه و عاشق اصفهانی) است و همچنین ساکنان ده ساله و بیشتر در مرکز شهر و محلات ثروتمندتر مستقر هستند. قادری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «ساختار قشربندی اجتماعی و خوشه بندی فرهنگی - اجتماعی محله های شهر تهران» نشان داد که توزیع قشربندی اجتماعی در بین ساکنان شهر تهران بر مبنای مناطق بالاشهر و پایین شهر است، و سه شاخص قدرت اقتصادی، پایگاه

اجتماعی و تعلق محلی، بیانگر ثروت، منزلت و رضایت از محل زندگی هستند. موسوی و صمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در استفاده از فضاهای عمومی در شهر تهران» نشان دادند که متغیرهای پایگاه اجتماعی و اقتصادی، دارایی و توان اقتصادی، مشارکت، اعتماد و شبکه روابط اجتماعی - در مجموع نزدیک به ۶۸/۴ درصد از تغییرات متغیر استفاده از فضاهای عمومی شهری - را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مباحثرامینی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی محلات ۱۳ گانه شهرداری منطقه ۱۲» بیان کردند در شرایطی که جدایی‌گزینی فضایی به سوی جدایی کامل اقتصاد و گروه‌های مختلف اجتماعی باشد محله‌های مسکونی به زمینه‌هایی برای تعاملات و تماس‌های درون‌طبقه‌ای تبدیل خواهند شد. افزایش تماس‌های درون طبقه‌ای و کاهش تماس‌های بین طبقه‌ای منجر به کاهش نقش طبقات متوسط که به مثابه گروه‌های مرجع در محله‌های فقیرنشین می‌باشند، می‌شود و در نتیجه تمرکز فقر به شکل خرده فرهنگ جرم‌زا در این محله‌ها نمود پیدا می‌کند.

هان (۲۰۲۲) در پژوهشی با رویکرد قشربندی اجتماعی شهر سئول را به ۴ خوشه تقسیم‌بندی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نابرابری اجتماعی - فضایی در بین خوشه‌های مختلف شهری وجود دارد و خوشه یک سئول نسبت به سایر خوشه‌ها در تمام بخش‌های تسهیلات اقتصادی و خدماتی برتری دارد. در نتیجه ساکنان این گروه می‌توانند از خدمات حمل و نقل عمومی، ایمنی، درمانی، فرهنگی، آموزشی و فرصت‌ها و مزایای اقتصادی در مقایسه با سایر مناطق برخوردارتر شوند. در نتیجه فضای شکل گرفته از این طریق بر جامعه و زندگی افراد به شیوه‌های ناآعادانه تأثیر می‌گذارد. فلیپ و همکاران (۲۰۲۲) جدایی‌گزینی نژادی مسکونی با پدیده‌هایی مانند نابرابری درآمد، نابرابری ارزش دارایی و تفاوت در دسترسی به بهداشت و آموزش مرتبط است. علاوه بر این، مطالعات اخیر پدیده اعیانی‌سازی را به عنوان عاملی برای تداوم یا افزایش جدایی‌گزینی مسکونی نژادی در برخی از شهرهای آمریکا نشان می‌دهند. بهاراتی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تفکیک مسکونی و خدمات عمومی در شهری هند بیان کردند در نواحی مشخصی از شهر که توسط افراد کم‌درآمدتر اشغال شده، تجمع



مشکلات و آسیب‌های شهری صورت می‌گیرد، که تدریجاً موجب به وجود آمدن اقلیت-های اجتماعی در آن مکان می‌شود. هند شهری با درجه بالایی از نابرابری فضایی درون‌شهری در دسترسی به خدمات عمومی مانند آب لوله‌کشی و فاضلاب مشخص می‌شود. روبرتو و کاورگلن (۲۰۲۱) در پژوهش خود بیان کردند که جاده‌ها و موانع فیزیکی - مانند بزرگراه‌ها، خطوط راه‌آهن و آبراه‌ها - الگوهای فضایی جدایی‌گزینی مسکونی نژادی و قومی را تشکیل می‌دهند و نحوه تجربه جدایی‌گزینی محلی توسط ساکنان را شکل می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که موانع فیزیکی با سطوح افزایش یافته جدایی‌گزینی قومی مرتبط است و اگرچه موانعی مانند بزرگراه‌ها، خطوط راه‌آهن ذاتاً فی‌نفسه به جدایی‌گزینی قومی منجر نمی‌شوند، ولی می‌توانند زیرساخت مرزهای اجتماعی را فراهم کنند و تقسیم‌بندی‌های نژادی محله‌ای را تسهیل کنند. نتایج اوترو و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که ساختار فضایی منابع شبکه را حتی پس از در نظر گرفتن طبقه اجتماعی تعیین می‌کند. به طور خاص، زندگی در مناطق ممتاز با شبکه‌های بسیار پرمحتوا همراه است، در حالی که زندگی در مناطق حاشیه‌ای با فقر شبکه و ارتباطات با وضعیت پایین همراه است.

می‌توان گفت بسیاری از نیروهای متضاد تمرکز شهری بر پویایی شهرها تاثیر منفی دارند. در این زمینه مدیریت شهری غیرمتخصص و ناکارآمد، الگوهای رسمی و غیررسمی نامتوازن توسعه شهری در نتیجه مدیریت ناکارآمد، برنامه‌ریزی ضعیف کاربری زمین، بی‌عدالتی، عدم تخصیص خدمات و امکانات به صورت متناسب در شهر، فرصت-های اقتصادی و تقسیمات اجتماعی نابرابر، عدم دسترسی به امکانات و تسهیلات شهری، امکانات رفاهی، سلامت و... بر شکل‌گیری و تشدید جدایی‌گزینی فضایی موثر هستند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که جدایی‌گزینی فضایی هم متأثر از نابرابری‌ها و هم تشدیدکننده آن است زیرا منابع اجتماعی متفاوت را در بین طبقات تقویت می‌کند. همچنین شکل، محتوا و نحوه توسعه مناطق، و در عین حال استفاده و دسترسی به فضاهای عمومی و شهری متناسب با نیازها، مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اکثریت شهروندان و ساکنان مناطق مختلف نابرابر است. در عین حال مرور پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشانگر آن است که تاکنون پژوهشی اختصاصی

در خصوص جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی از نگاه جامعه‌شناسی مرتبط با این موضوع در نمونه مورد مطالعه به انجام نرسیده است و اکثر مطالعات جدایی‌گزینی فضایی را معادل با جدایی مسکونی در نظر گرفتند. بنابراین مطالعه آسیب‌شناختی جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی در شهر تهران ضروری به نظر می‌رسد.

### ادبیات نظری و تجربی پژوهش

فرم و شکل شهری را نمی‌توان به عنوان پس زمینه‌ای خنثی برای فعالیت‌های انسانی دانست، بلکه به عنوان جنبه‌ای ذاتی از هر کاری که انجام می‌دهیم تلقی می‌شود. رویکردهای مختلف بر چگونگی تأثیر نابرابری اجتماعی - فضایی بر زندگی اجتماعی افراد، نحوه تعامل ما با دیگران، فرصت‌ها و منابع کمتر یا بیشتر تمرکز می‌کنند (مافینی و مارچین، ۲۰۱۸). در ادامه به برخی از رویکردهای مرتبط با نابرابری فضایی و مسائل اجتماعی پرداخته می‌شوند.

از نظر وبر نابرابری اجتماعی در رابطه‌ی اجتماعی انعکاس می‌یابد. نابرابری را به زبان وبر باید نوعی از محتوای رابطه‌ی اجتماعی تعریف کرد که عبارت از این احتمال دارد که افراد به طریقی قابل تعیین و معنادار بر مبنای درک تطبیقی منزلت‌های درون فهمی شده به صورتی متفاوت و تبعضی رفتار خواهند کرد. وبر منزلت‌ها را مبنی بر سه عامل قدرت، ثروت و حیثیت می‌داند دیدگاه او از قشربندی اجتماعی این استدلال را مطرح می‌کند که نابرابری اجتماعی بر اساس موقعیت طبقه اجتماعی، پایگاه و میزان قدرت (و اقتدار) گروه‌های مختلف مردم شانس‌های زندگی نابرابر را دارند و معتقد است طبقات در نظم اقتصادی می‌توانند بر پایه نوع دارایی نیز تقسیماتی داشته باشند. بدین ترتیب با لحاظ نظریه‌های فضای شهری، نابرابری اجتماعی و جدایی‌گزینی طبقاتی، در برنامه‌ریزی فضایی میسر می‌شود. از نظر او طبقات شامل کسانی است که در بازار مبادله منابع ارزشمند، جایگاه یکسانی دارند. این منابع شامل: منابع اقتصادی، قدرت، منزلت، تحصیلات و نیروی بدنی (و یا کنترل نیروی بدنی) می‌باشد؛ که البته مالکیت کنترل منابع اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کند (گورسکی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴).

وبر انسداد اجتماعی را فرآیندی می‌داند که در آن مجموعه‌های اجتماعی با ایجاد مانع در برابر دسترسی دیگران به منابع و فرصت‌ها، در پی افزایش پاداش‌هایشان می‌باشند. انسداد اجتماعی می‌تواند براساس: ۱- ویژگی‌های اجتماعی یا فیزیکی (رنگی پوست)؛ ۲- ویژگی‌های گروهی و ۳- نژاد، زبان، اصالت اجتماعی، مذهب باشد، که موجب هدایت به فرصت‌های اقتصادی خاص شده و مانع رقابت آزاد در جامعه می‌شود. این به‌رغم وجود شخصیت‌های مثبت و منفی در گروه‌ها یا افراد و شایستگی‌های فردی است (گورب<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). او، محل اقامت را به‌عنوان یکی از نمادهای منزلتی گروه‌های منزلت در نظام اجتماعی برمی‌شمارد. از نظر او شهر توسط گروه‌های منزلتی و طبقات به فضاهای متمایز و نابرابر تقسیم می‌شود. این فضای نابرابر توسط نظام حقوقی و مذهبی نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد. وجود گروه‌بندی‌های توزیعی با ایجاد امکان جدایی-گزینی، تقسیم‌بندی‌های طبقاتی را تقویت کرده و جدایی‌گزینی فضایی گروه‌های منزلت را با وجود تفاوت صریح در عقاید و شیوه زندگی تقویت کرده است. رویکرد نئووبری نیز جدایی‌گزینی فضایی را برآیندی از دسترسی گروه‌ها به بازار مسکن می‌داند (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۸۷).

داگلاس مسی<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) بیان می‌کند که در مورد اثر موقعیت اجتماعی و طبقه اجتماعی بر جدایی‌گزینی و فرآیند انتخاب محلات جداگانه توسط گروه‌های متفاوت برای زندگی، دو فرضیه متفاوت مطرح می‌شود: اول فرضیه جذب است که بیان می‌کند هرچه طبقه اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر رود، ادغام فضایی گروه اقلیت در اکثریت بیشتر می‌شود؛ فرضیه دوم که فرضیه فاصله اجتماعی است، معتقد است که فاصله فیزیکی در فضای شهری ارتباط مستقیمی با فاصله اجتماعی گروه‌های قومی دارد که به معنای جدایی‌گزینی گروه‌های قومی به دلایل فاصله اجتماعی و نه پایگاه اجتماعی - اقتصادی متفاوت آن‌ها می‌باشد (مسی، ۱۹۸۱ و پرتسیل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱).

رویکردهای مطالعه رفتارهای گروه‌های اجتماعی در هنگام انتخاب محل سکونتشان حداقل بر چهار ساز و کار متفاوت، اما وابسته متمرکز است: الف) ترجیحات شخصی؛

1 - Gurb  
2 - Massey  
3 - Préteceille

ب) بازار کار؛ ج) بازارهای زمین و املاک؛ و د) سیاست‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌ها. در رویکرد اول (رویکرد ترجیحات شخصی) می‌بینیم که جدایی‌گزینی با توجه به علاقه مردم به داشتن همسایگانی شبیه به خودشان افزایش می‌یابد (شلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱: ۱۴۳-۱۸۶ و فیتوسا، ۲۰۱۱)؛ برای مثال با توجه به شواهد، اگر افراد بیکار در کنار کسانی که بیکار هستند زندگی کنند، کمتر احساس ناراحتی می‌کنند (گویال و گیلینو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۹۰-۱۱۹).

رویکرد دوم (رویکرد بازار کار) نشان می‌دهد که بازار کار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن، مانند محرومیت و نابرابری اجتماعی مسئول جدایی‌گزینی و شرایط زندگی پر مخاطره خانواده‌های فقیر است (جرومتا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۰۲۱ - ۲۰۰۷). در رویکرد سوم (رویکرد بازارهای زمین و املاک) بر بازار زمین و املاک تمرکز دارد و تأکید می‌کند که چگونه توسعه‌دهندگان و کارگزاران آن‌ها رقابت را برای مسکن شبیه‌سازی می‌کنند؛ امری که جدایی‌گزینی گروه‌های مرفه را تقویت، و خانواده‌های فقیر را مستثنا می‌کند.

در چهارمین رویکرد (رویکرد سیاست‌های دولتی و سرمایه‌گذاری) بر این نکته تأکید می‌شود که چگونه دولت به دلیل اقدام نامناسب، توزیع نابرابر سرمایه، طرح‌های عظیم مسکن عمومی و ابزارهای تنظیم‌کننده مانند منطقه‌بندی انحصاری، زمینه‌ساز بروز پدیده جدایی‌گزینی و تقویت آن می‌شود. مجموعه این عوامل در کنار یکدیگر جدایی‌گزینی-های کالبدی و اجتماعی را در شهرها رقم می‌زند که افزایش روابط درون‌گروهی، کاهش روابط برون‌گروهی، طرد اجتماعی، توزیع نابرابر منابع، خدمات، تبعیض، بدنام‌سازی، بیکاری، کمبود سرمایه اجتماعی، کمبود منابع مالی، انزوای سیاسی، فرسودگی شهری، وجود جمعیت در حال گذار، شیوع ساختمان‌های رها شده و مشکلات جسمی و روانی تنها تعدادی از پیامدهای آن‌هاست، که در بلندمدت و کوتاه مدت بر شهر و ساکنان آن به شدت تاثیر می‌گذارند (آندرسون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ گلین<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ مسی و دنتون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱).

1-Schelling

2-Goyal and Ghiglino

3-Gerometta

4 - Anderson

5 - Glynn

6-Massey and Denton

مشهورترین نظریه‌پرداز رویکرد اقتصاد سیاسی فضا دیوید هاروی، معتقد است، جدایی‌گزینی فضایی و مسکونی در شهر سرمایه‌داری به معنای دسترسی متفاوت به منابع کمیاب جهت تصرف ظرفیت بازار است. طرح اولیه‌ی هاروی، تحلیل مارکس از انباشت سرمایه و استنتاج آثار آن در ساختار شهری بود. این امر به طور اساسی با تحلیل‌داری ملکی و نقش آن در انباشت سرمایه مرتبط و از موضوع‌هایی بود که مارکس کمتر درباره‌ی آن بحث کرده بود. هاروی ماهیت مشخص و متمایز زمین را کالایی در جامعه سرمایه‌داری ذکر کرد. هر چند زمین مانند کالاهای دیگر قابل خرید و فروش است، اما چند ویژگی دارد. مهم‌ترین ویژگی‌اش ثابت بودن از لحاظ فضایی است، زیرا نمی‌توان آن را جابجا کرد؛ زمین برای حیات انسان ضروری است، زیرا همه‌ی ما به جایی برای زندگی کردن نیاز داریم. زمین امکان نگهداری‌داری و بالا رفتن ارزش آن را فراهم می‌کند؛ و نهایتاً به طور نسبی جاودانه است؛ زیرا شکل بهسازی شده‌ی آن (مثلاً ساختمان) مدت زمان مدیدی دوام می‌آورد، بسیار بیش از لباسی که کهنه یا غذایی که صرف می‌شود. قسمت اعظم تلاش‌های هاروری تفحص درباره‌ی تاثیرات ویژگی خاص سرمایه‌گذاری کلان بر روی زمین است تا در دیگر حوزه‌ها. او بر این نکته تاکید داشت که این سرمایه‌گذاری به این دلیل که باعث می‌شود بخش عظیمی از سرمایه معمولاً برای محیط مصنوع صرف می‌شود، هم در عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری بسیار موثر است و هم میراث نسبتاً بادوام فیزیکی یا مادی برجای می‌گذارد. اگر محیط مصنوع راه سودمندی برای سرمایه‌گذاری باشد، ممکن است به انباشت سرمایه کمک کند؛ اگر ویژگی پایداری آن به نحوی باشد که در مدت زمانی کوتاه، کهنه و منسوخ شود، ممکن است به صورت مانعی برای سرمایه‌گذاری درآید (ساوج و همکاران، ۱۳۹۶). هاروی جدایی‌گزینی را برحسب بازتولید مناسبات اجتماعی تبیین می‌کند و معتقد است که نواحی مسکونی (محیط‌های همسایگی، محلات) محیط‌های متمایزی را برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورد که افراد با تکیه بر آن‌ها بصورت قابل‌توجهی موازین ارزشی، انتظارات، عادت‌های مصرفی، ظرفیت‌های بازار و حالت‌های آگاهی را استخراج می‌کنند. هاروی اذعان می‌دارد که الگوهای جدایی‌گزینی مسکونی بسیاری از تعارضات جامعه سرمایه‌داری را بازتاب می‌دهند و درونی می‌سازند. البته خوشبین است که فرآیندهایی که تعارضات

مذکور را به وجود می‌آورند و حفظ می‌کنند، نتیجه قانون‌های بی‌ثباتی و تعارض واقع می‌شوند (هاروی، ۱۳۸۷ و ساوج و همکاران، ۱۳۹۶).

به‌طور کلی عوامل عمده موثر بر نابرابری اجتماعی - فضایی در شهرها شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، سیاسی، مدیریت شهری و مانند آن هستند که با یکدیگر پیوند داشته و بر هم تاثیر می‌گذارند. بررسی نظریه‌های مطرح شده نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل اجتماعی - اقتصادی ایجادکننده نابرابری اجتماعی - فضایی، عوامل کالبدی و مدیریت شهری تاثیر بسزایی در جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی دارد. عوامل اجتماعی فرهنگی (مانند قومیت و نژادهای مختلف، نحوه قشربندی اجتماعی، پایگاه طبقاتی، هویت، فاصله اجتماعی)، عوامل سیاسی (مانند رویکرد دولت به مفهوم جدایی - گزینی، نحوه دخالت دولت در توزیع درآمد، نحوه توزیع منابع و فرصتها)، عوامل اقتصادی (نظام بازار، درآمد، موقعیت‌های شغلی، بیکاری و مانند آن) و نظام مدیریت شهری (نظام مسکن، اجرای پروژه‌های شهری، نحوه توزیع خدمات و کاربری‌های اراضی شهری، نحوه محله‌بندی و نظیر آن) و عوامل کالبدی (عوامل طبیعی مثل رودخانه و کوه و غیره و عوامل مصنوعی مثل بزرگراه، راه‌آهن و مانند آن) همه این عوامل می‌توانند بر نابرابری اجتماعی - فضایی، جدایی‌گزینی و نحوه شکل‌گیری آن تاثیر داشته باشند.

### روش تحقیق و داده‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف در حوزه پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیت و روش تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل ثانویه می‌باشد. جامعه آماری کل محدوده آماری شهر تهران در سطح مناطق ۲۲ گانه است. جهت نیل به اهداف تحقیق "در حوزه خدمات شهری و مسکن از داده‌های آمارنامه شهر تهران در سال ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ (در سطح مناطق ۲۲ گانه) و اطلاعات مربوط به وضعیت اشتغال و گروه‌های شغلی از طرح گونه‌شناسی فرهنگی، اجتماعی و هویتی محلات شهر تهران و شناسایی الگوهای همسایگی و اجتماعات محلی در سال ۱۳۹۶ (با ۱۲۰۰۰ نمونه به تفکیک مناطق ۲۲ گانه)" استفاده شد. شهر تهران براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵،

۸۷۳۷۵۱۰ نفر و با ۲۲ منطقه به ۱۲۲ ناحیه شهری تقسیم شده‌است، پرجمعیت‌ترین شهر ایران است. وسعت تقریبی تهران ۸۰۰ کیلومتر مربع است. در نهایت داده‌های مورد نیاز در قالب نقشه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی<sup>۱</sup> و GeoDa مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول ۱. شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

ردیف	شاخص‌ها	ارزش عددی
۱	شاخص جدایی-گزینی <sup>۲</sup>	بین ۰ و ۱، مقدار ۰ توزیع عادلانه و برابری را نشان می‌دهد و مقدار ۱ جدایی-گزینی کامل است
۲	شاخص موران <sup>۳</sup>	ارزش مثبت بیانگر ویژگی‌های مشابه و وجود خوشه‌های معنادار، ارزش منفی نشان‌دهنده ناهمگنی خصوصیات و ۰ بیانگر ناپیوستگی و تصادفی بودن پدیده مورد بررسی
۳	شاخص لیسای <sup>۴</sup>	نشان می‌دهد که آیا مناطق با ارزش بالا به وسیله مناطق با ارزش بالا (بالا-بالا) و مناطق با ارزش پایین، توسط مناطق مشابه (پایین-پایین) محصور شده است یا نه. مقدار منفی نیز نشان‌دهنده احاطه مناطق با ارزش پایین توسط مناطق با ارزش بالا (پایین-بالا) و یا مناطق با ارزش بالا به وسیله مناطق با ارزش پایین (بالا-پایین) است

### یافته‌ها

در بخش یافته‌های پژوهش ابتدا وضعیت متغیرهای اجتماعی و خدمات شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته، سپس به الگوی پراکنش پراکنش فضایی-اجتماعی شاخص‌ها و متغیرها در مناطق ۲۲ گانه پرداخته می‌شود. برای شناسایی الگوهای توزیع فضایی متغیرهای پژوهش از روش خودهمبستگی فضایی موران جهانی محیط نرم‌افزار ArcGIS و شاخص لیسای (LISA) در محیط GeoDa استفاده شده است. شاخص موران یکی از بهترین شاخص‌ها برای تشخیص خوشه‌بندی است. این

1 -GIS

2-Segregation index (IS)

3-Moran's I

4-Local Indicators of Spatial; Autocorrelation (LISA)

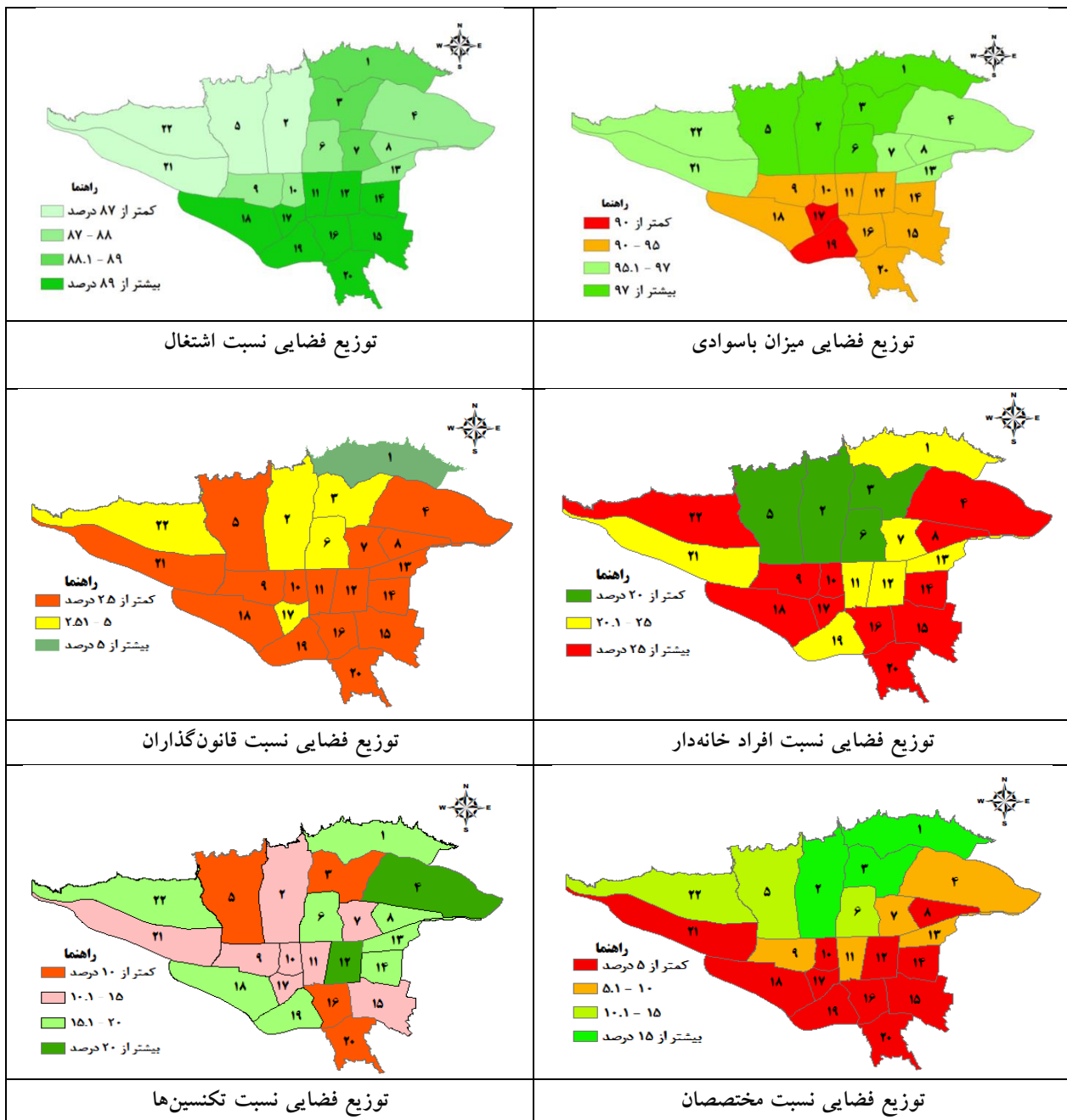
شاخص تشخیص می‌دهد که آیا نواحی مجاور به‌طورکلی دارای ارزش مشابه یا غیرمشابه می‌باشند. ارزش موران بین  $+1$  و  $-1$  است. ارزش نزدیک به  $1$  به معنای توزیع به‌صورت خوشه‌ای و ارزش نزدیک به  $-1$  نشانگر توزیع تصادفی عناصر می‌باشد می‌توان مدل را برحسب فیله‌های مختلف اجرا نمود و نتیجه به صورت خوشه‌ای<sup>۱</sup>، تصادفی<sup>۲</sup> و یا پراکنده<sup>۳</sup> روی شکل خروجی مدل نشان داده می‌شود.

بررسی وضعیت میزان باسوادی در مناطق مختلف شهر تهران براساس شکل شماره ۲، بیانگر این است که میزان باسوادی از  $۸۹/۶$  در منطقه ۱۷ تا  $۹۸/۱$  درصد در مناطق ۳ و ۶ در نوسان است. براین اساس مناطق ۶، ۳، ۲، ۱ و ۵ از بیشترین میزان باسوادی و مناطق ۱۷ و ۱۹ از کمترین میزان باسوادی برخوردارند. توزیع فضایی نسبت اشتغال در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نشان‌دهنده‌ی این است که نسبت اشتغال از توزیع نابرابر و نامتوازی برخوردار است. به طوری که مناطق جنوبی و بعد از آن مناطق شمال شرق تهران از نسبت اشتغال بالاتری در مقایسه با مناطق غرب و شمال غرب تهران برخوردارند و مناطق ۲۱، ۲، ۲۲ و ۵ دارای کمترین نسبت اشتغال در مقایسه با سایر مناطق هستند. در زمینه طبقه‌بندی مشاغل مناطق ۲، ۳، ۵ و ۶ کمترین درصد افراد خانه‌دار و مناطق ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۲ بیشترین نسبت افراد خانه‌دار را به خود اختصاص دادند. از نظر حرفه قانون‌گذاران منطقه (۵/۳۹ درصد) دارای بیشترین و مناطق ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ (کمتر از ۲/۵ درصد) کمترین نسبت را دارند. نسبت گروه شغلی مختصان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با نوساناتی همراه بوده است. این نسبت از کمتر از ۵ درصد در مناطق ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ تا بیشتر از ۱۵ درصد در مناطق ۱، ۲ و ۳ متغیر بوده است. همچنین بیشتر نسبت افراد حرفه شغلی تکنسین در مناطق ۴ و ۱۲ و کمترین درصد کارمندان را منطقه ۱۸ (کمتر از ۲۰ درصد) به خود اختصاص داده است. براساس شکل شماره ۳، از نظر نسبت کارمندان خدماتی، گرایش به سمت جنوب و جنوب شرق بوده است. به طوری که مناطق ۷، ۱۳، ۱۶ و ۲۰ بیشترین نسبت کارمندان بخش خدماتی را دارا می‌باشند.

- 
- 1- Clustered
  - 2- Random
  - 3- Dispersed

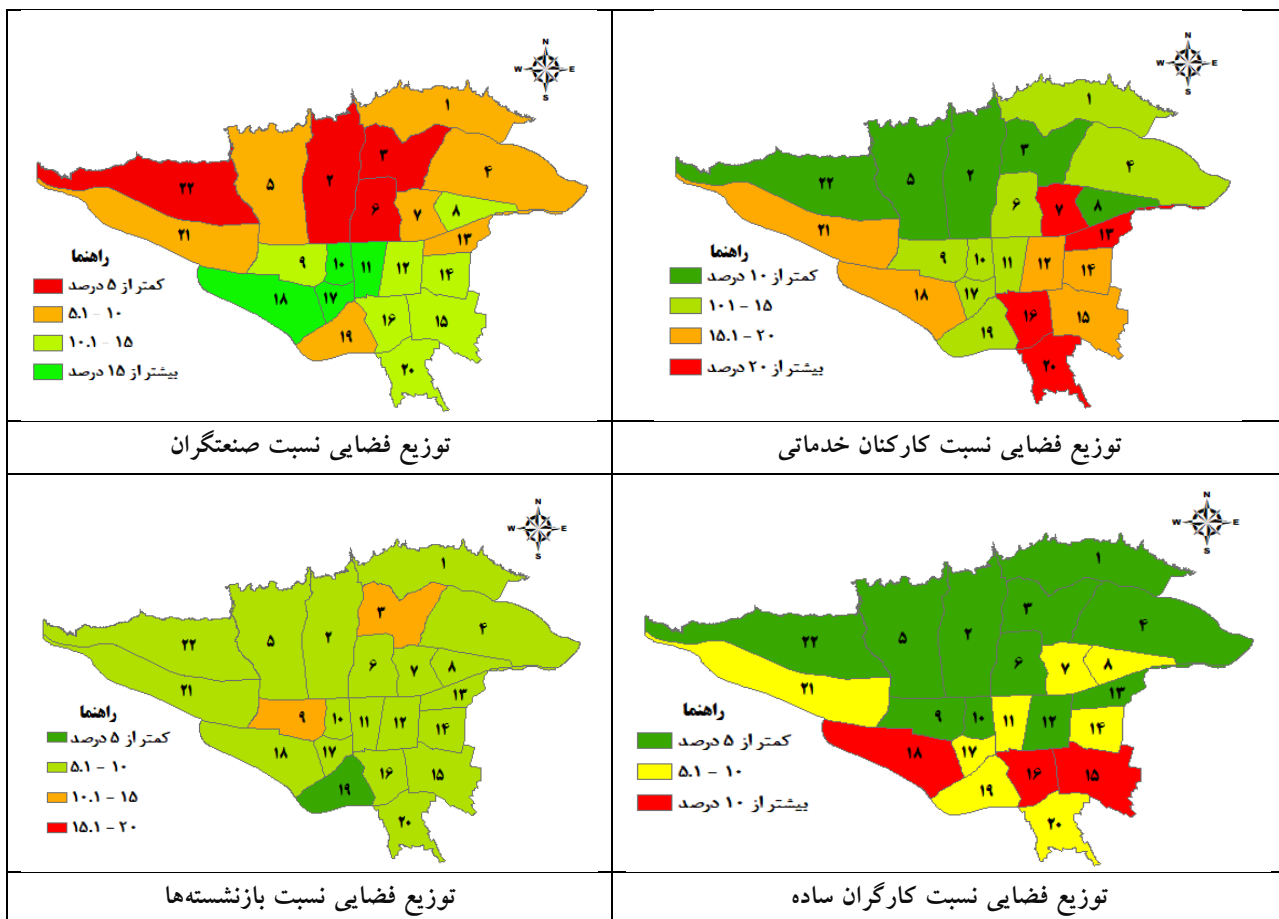


مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۷ و ۱۸ بیشترین درصد صنعتگران و همچنین مناطق ۱۵، ۱۶ و ۱۸ بیشترین نسبت را در زمینه گروه شغلی کارگران ساده به خود اختصاص دادند. در نهایت مناطق ۳ و ۹ بیشترین نسبت افراد بازنشسته را دارند.



شکل ۱: توزیع فضایی نسبت متغیرهای باسواد، اشتغال، افراد خانه‌دار، قانون‌گذاران، متخصصان و

تکنسین‌ها در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

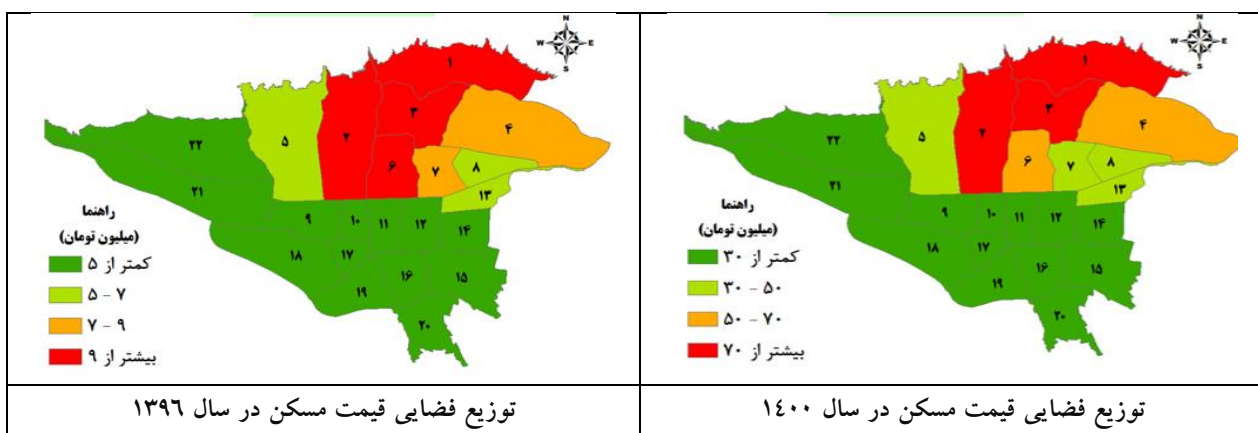


شکل ۲: توزیع فضایی نسبت متغیرهای کارکنان خدماتی، اشتغال، صنعت‌گران، کارگران ساده و

نسبت بازنشسته‌ها در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

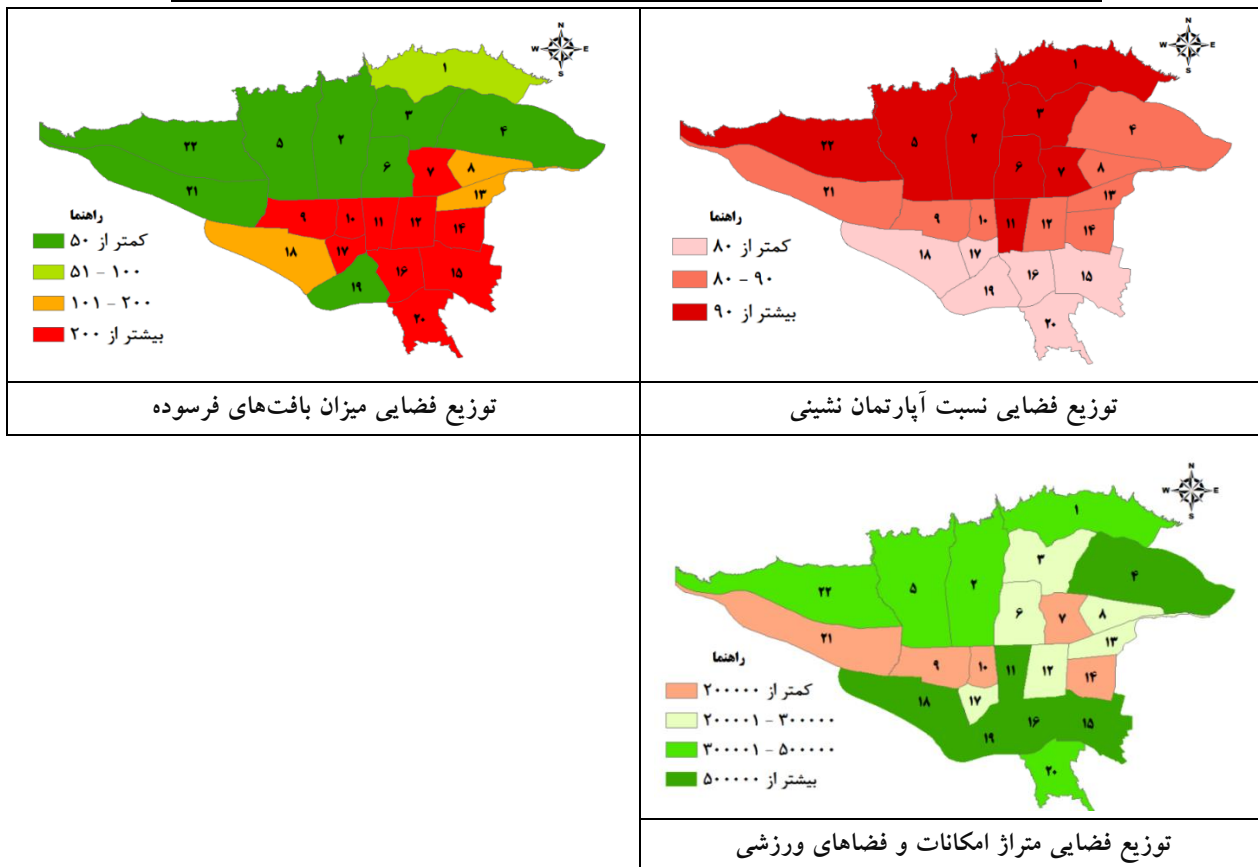
شکل شماره ۳، توزیع فضایی قیمت زمین و خدمات شهری را براساس مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نشان می‌دهد. توزیع فضایی قیمت زمین در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ بیانگر این است که قیمت مسکن در تهران به شکل آشکار با دوقطبی همراه است. در سال ۱۳۹۶، مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ دارای بالاترین قیمت مسکن و مناطق جنوبی همچون ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ قیمت پایین‌تری داشتند. در سال ۱۴۰۰، سه منطقه ۱، ۲ و ۳ در شمال شهر، بالاترین میزان قیمت و به‌جز

مناطق ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۳ سایر مناطق قیمت پایین‌تری در مقایسه با همه مناطق داشتند. از نظر وضعیت آپارتمان‌نشینی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نتایج نشان‌دهنده‌ی این است که وضعیت آپارتمان‌نشینی از توزیع ناهمگون و نامتوازنی برخوردار است. به طوری که نسبت آپارتمان‌نشینی از ۷۰/۶ درصد در منطقه ۱۶ تا ۹۶/۷ درصد در منطقه ۷ در نوسان است. می‌توان گفت که وضعیت آپارتمان‌نشینی در شهر تهران به صورت کمربند شمالی و جنوبی تقسیم‌شده است. توزیع بافت‌های فرسوده نشانگر آن است که تمرکز بافت‌های فرسوده شهر تهران در مرکز و نیمه جنوبی شهر است و بر مبنای نسبت بافت‌های فرسوده، شهر تهران به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم‌شده است به عبارتی مناطق شمالی با کمترین میزان بافت فرسوده و مناطق جنوبی با بیشترین میزان بافت‌های فرسوده می‌باشد. بر مبنای نسبت پسماند شهری، شهر تهران به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم‌شده است. همچنین براساس سالنامه شهرداری تهران در سال ۱۳۹۶، در مناطق شمالی شهر تهران میزان پسماند خشک بیشتر است و هرچه از سمت مناطق شمال به جنوب شهر حرکت می‌کنیم، میزان پسماند خشک نسبت به پسماند تر کمتر می‌شود. دسترسی مردم به تسهیلات ورزشی شانس فعالیت جسمانی را بیشتر می‌کند. براین اساس، توزیع فضایی متراژ امکانات و فضاهای ورزشی به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۹۶ به صورت پراکنده در تمام مناطق شهری توزیع شده است. به عبارتی می‌توان گفت که از توزیع برابری برخوردار است.



توزیع فضایی قیمت مسکن در سال ۱۳۹۶

توزیع فضایی قیمت مسکن در سال ۱۴۰۰



توزیع فضایی میزان بافت‌های فرسوده

توزیع فضایی نسبت آپارتمان‌نشینی

توزیع فضایی متراژ امکانات و فضاهای ورزشی

شکل ۳: توزیع فضایی قیمت مسکن، نسبت آپارتمان‌نشینی، بافت‌های فرسوده و متراژ فضاهای

ورزشی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

جدول ۲. مقادیر شاخص جدایی‌گزینی تک گروهی و مورانز آی برای متغیرهای پژوهش

مقادیر شاخص مورانز آی			شاخص جدایی‌گزینی	طبقه‌ها	ردیف
سطح معناداری	واریانس	مقدار آزمون مورانز آی			
۰/۰۰۱۰۱۴	۰/۰۳۳۰۲۵	۰/۵۴۹۶۷۱	۰/۴۸۰	میزان باسواد	۱
۰/۰۱۲۴۵۳	۰/۰۳۲۹۰۳	۰/۴۰۵۶۸۲	۰/۴۵۱	نسبت اشتغال	۲
۰/۰۱۳۰۵۸	۰/۰۳۱۹۲۲	۰/۳۹۵۸۶۷	۰/۳۰۹	درصد خانه داری	۳
۰/۲۹۷۹۰۶	۰/۰۲۹۹۳۳	۰/۱۳۲۴۷۶	۰/۰۸۷	قانون گذاران	۴
۰/۰۱۷۱۲۳	۰/۰۲۸۴۵۸	۰/۳۵۴۵۵۶	۰/۳۸۶	متخصصان	۵

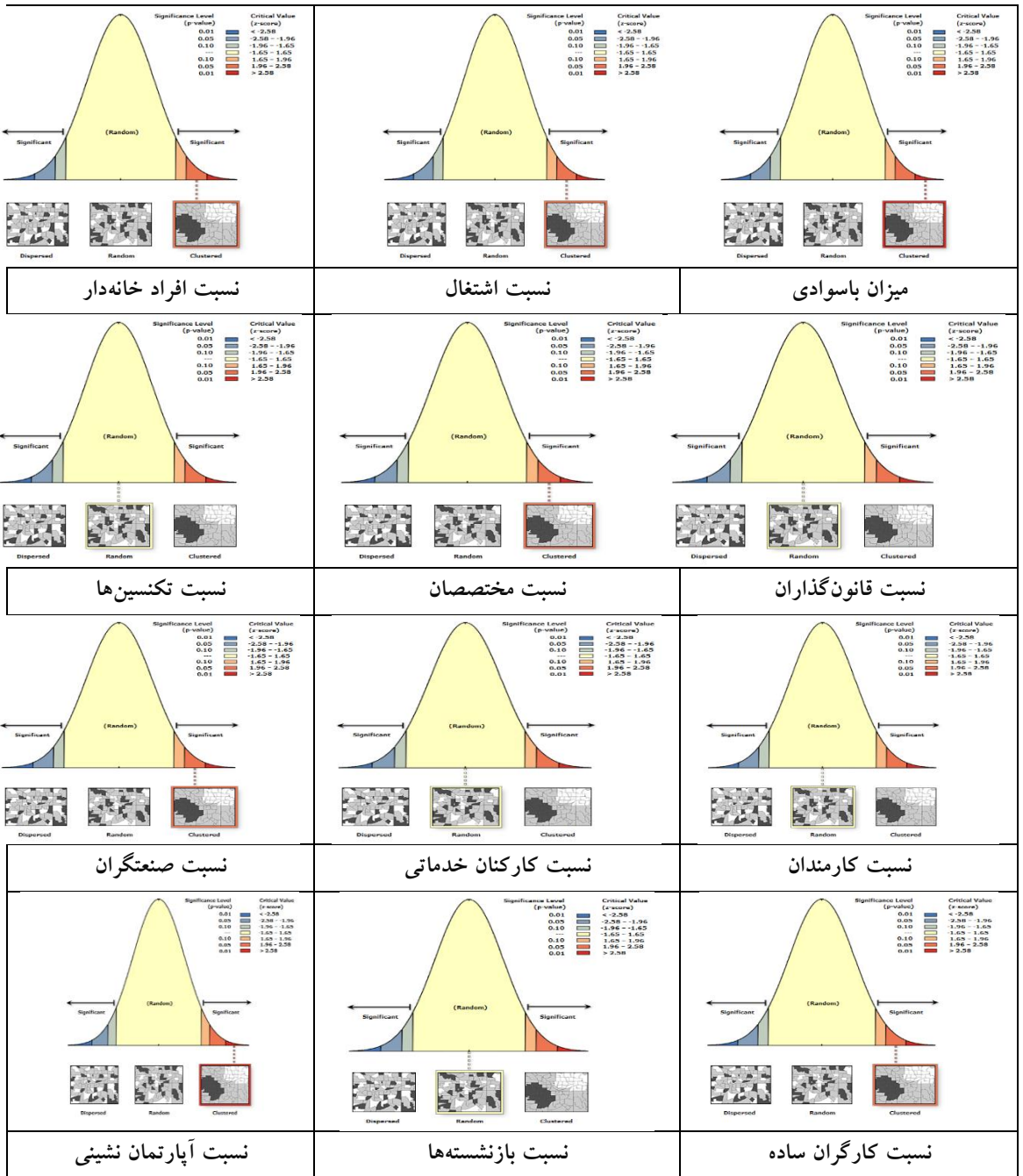
۰/۶۵۲۵۵۳	۰/۰۳۰۳۷۵	۰/۰۳۰۸۴۷	۰/۰۹۹	تکنسین‌ها	۶
۰/۱۵۰۴۱۶	۰/۰۳۱۴۲۶	۰/۲۰۷۳۱۲	۰/۰۵۶۴	کارمندان	۷
۰/۲۹۱۵۱۷	۰/۰۳۱۸۹۰	۰/۱۴۰۷۴۳	۰/۰۹۲	کارکنان خدماتی	۸
۰/۰۱۳۴۶۸	۰/۰۳۱۰۰۰	۰/۳۸۷۴۷۴	۰/۴۰۸	صنعتگران	۹
۰/۰۳۳۵۲۷	۰/۰۲۸۰۹۸	۰/۴۰۰۷۴۶	۰/۵۱۲	کارگران ساده	۱۰
۰/۹۱۴۲۴۷	۰/۰۳۰۹۴۳	-۰/۰۲۸۶۷۷	۰/۰۴۷	بازنشسته‌ها	۱۱
۰/۰۰۷۱۱۲	۰/۰۳۲۳۱۴	۰/۴۳۶۲۱۷	۰/۲۱۳	نسبت آپارتمان- نشینی	۱۲
۰/۰۰۸۴۰۱	۰/۰۳۲۳۰۸	۰/۱۷۸۴۹۶	۰/۳۷۸	میزان بافت فرسوده	۱۳
۰/۰۱۲۷۲۱	۰/۰۲۹۶۱۲	۰/۲۸۵۷۳۷	۰/۵۱۲	میزان پسماند	۱۴
۰/۰۶۷۴۶۱	۰/۰۲۹۹۲۸	-۰/۰۳۸۳۹۱	۰/۰۲۶	متراژ امکانات و فضاهای ورزشی	۱۵
۰/۰۰۳۶۳۶	۰/۰۳۰۸۷۴	۰/۴۶۳۳۷۰	۰/۴۴۷	قیمت زمین ۱۴۰۰	۱۶
۰/۰۰۱۶۹۹	۰/۰۳۱۸۰۸	۰/۵۱۲۰۹۳	۰/۴۲۲	قیمت زمین ۱۳۹۶	۱۷

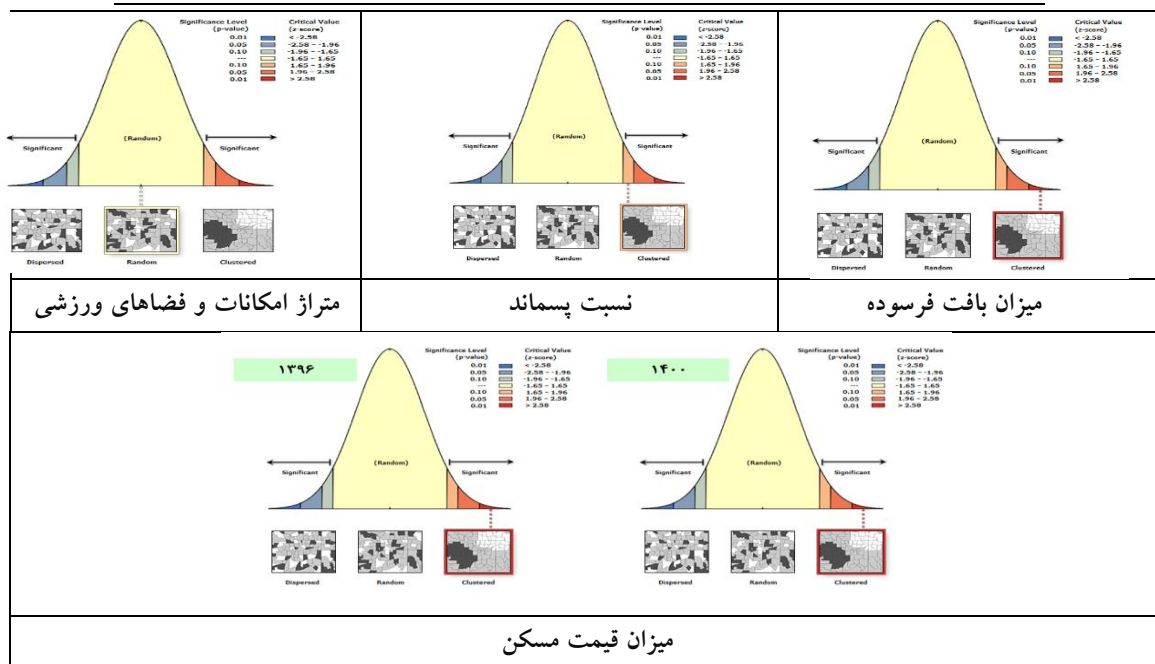
جدول شماره ۲، مقادیر شاخص‌های جدایی‌گزینی تک‌گروهی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. شاخص جدایی‌گزینی توزیع میزان باسواد، نسبت اشتغال، نسبت افراد خانه‌دار، گروه‌های شغلی متخصصان، صنعتگران، کارگران ساده و همچنین نسبت آپارتمان نشینی، میزان بافت فرسوده، پسماند و قیمت زمین در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ را در سطح شهر تهران تقریباً نابرابر نشان می‌دهد و مناطق مختلف تهران تفاوت معناداری با هم دارند. همچنین شاخص جدایی‌گزینی توزیع نسبت قانون‌گذاران، تکنسین‌ها، کارمندان، کارکنان خدماتی، بازنشسته‌ها و متراژ امکانات و فضاهای ورزشی را در سطح شهر تهران تقریباً توزیع عادلانه و برابر نشان می‌دهد.

براساس جدول شماره ۲، میزان شاخص مورانز آی ۵۵/۰ است. الگوی پراکنش فضایی میزان باسواد در مناطق ۲۲گانه کلانشهر تهران، خوشه‌ای است. این الگوی توزیع در سطح مناطق مورد مطالعه بازگوکننده الگوی نابرابر است. بنابراین الگوی پراکنش شاخص مورد مطالعه به‌صورت خوشه‌ای است. بر اساس شاخص محلی پیوند

فضایی (لیسا) تراکم الگوی فضایی به صورت شمال - جنوب است. براساس توزیع نسبت باسواد، ۶ منطقه شمال تهران افراد دارای تحصیلات بالا با همسایگان مشابه خود سکونت دارند و ۶ منطقه در جنوب تهران افراد دارای تحصیلات پایین در کنار همسایگان مشابه خود سکونت دارند. با توجه به شاخص خودهمبستگی فضایی موران، الگوی پراکنش فضایی نسبت اشتغال در مناطق ۲۲ گانه کلانشهر تهران، خوشه‌ای است. این الگوی توزیع در سطح مناطق مورد مطالعه بازگوکننده الگوی نابرابر است. بنابراین الگوی پراکنش شاخص نسبت اشتغال به صورت خوشه‌ای (جنوب/شمال شرق - شمال غرب) تهران می‌باشد. بر اساس شاخص محلی پیوند فضایی (لیسا) ناهمگونی فضایی بین مناطق مختلف تهران مشهود است و ۵ منطقه در جنوب تهران، در مجاورت مناطق دارای نسبت اشتغال بالا قرار گرفته‌اند. منطقه ۲ از هیچ الگویی پیروی نمی‌کند.

در زمینه نسبت خانه داری با توجه به شاخص مورانز آی، الگوی توزیع فضایی در مناطق ۲۲ گانه تهران متفاوت است و این تفاوت معنادار است. براساس شاخص پیوند محلی (لیسا)، دو منطقه که دارای بالای افراد خانه‌دار هستند و در چهار منطقه که دارای نسبت پایین افراد خانه‌دار (شمال تهران) هستند، افراد در کنار همسایگان مشابه خود سکونت می‌کنند. از نظر نسبت افراد متخصص با توجه به شاخص مورانز آی، الگوی توزیع فضایی در مناطق ۲۲ گانه تهران خوشه‌ای است و تفاوت معنادار است. بر اساس شاخص محلی پیوند فضایی (لیسا) تراکم الگوی فضایی به صورت شمال - جنوب است. براساس توزیع نسبت متخصصان، ۴ منطقه شمال تهران افراد دارای حرفه تخصصی بالا با همسایگان مشابه خود سکونت دارند و ۶ منطقه در جنوب تهران افراد متخصص (سطح پایین) در کنار همسایگان مشابه خود سکونت دارند. در زمینه نسبت توزیع صنعتگران الگوی نظم فضایی با توجه به مقدار آزمون، به صورت خوشه‌ای است و بر اساس شاخص محلی پیوند فضایی (لیسا) تراکم الگویی برای افراد بیشتر در جنوب شهر تهران قرار دارد. این الگوی در زمینه کارگران ساده نیز صدق می‌کند به طوری ۶ منطقه که کمترین نسبت کارگران ساده را دارند در شمال تهران، توسط مناطق مشابه خودشان محصور شده‌اند. دارند و ۳ منطقه در جنوب تهران که بیشترین نسبت کارگران ساده را دارند در کنار مناطق مشابه خود قرار دارند.



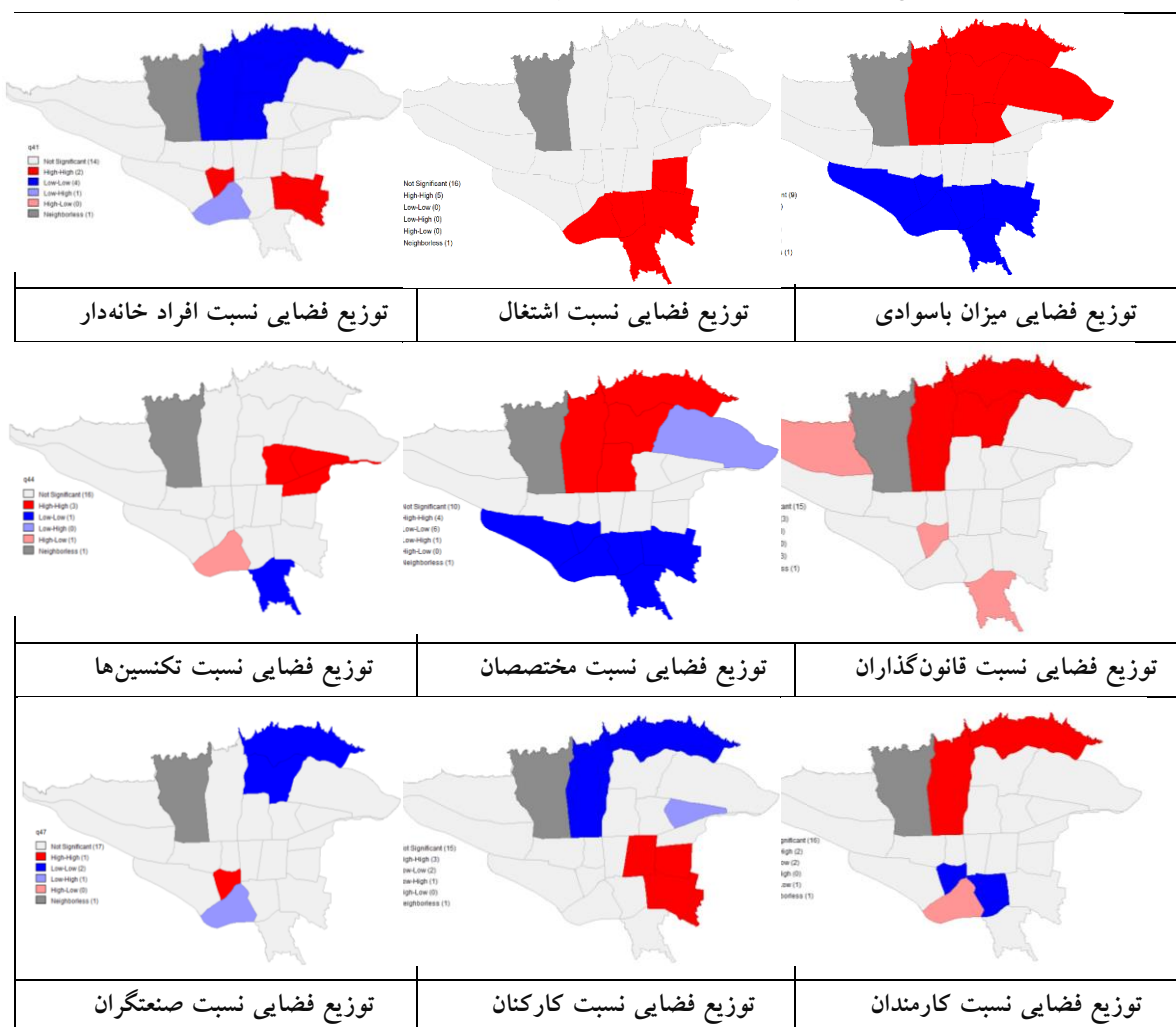


با توجه شاخص خودهمبستگی فضایی مورانز آی، الگوی پراکنش فضایی قیمت مسکن (هم در سال ۱۳۹۶ و هم در سال ۱۴۰۰) در مناطق ۲۲ گانه کلانشهر تهران، خوشه‌ای است. این الگوی توزیع در سطح مناطق مورد مطالعه بازگوکننده الگوی نابرابر است. بنابراین الگوی پراکنش شاخص قیمت مسکن به صورت خوشه‌ای (شمال - جنوب) تهران می‌باشد. ۶ منطقه شمال تهران که بالاترین میزان قیمت را دارند به صورت خوشه‌ای در کنار مناطق با قیمت مشابه به خود قرار گرفتند (High-High) و ۶ منطقه هم در جنوب تهران در کنار همسایگان مشابه به خود از نظر قیمت قرار گرفتند. (Low-Low). به طوری که در زمینه آپارتمان نشینی نیز الگوی پراکنش فضایی خوشه‌ای (شمال - جنوب) می‌باشد. همچنین از نظر شاخص خودهمبستگی مورانز آی الگوی پراکنش فضایی نسبت بافت فرسوده در مناطق شهری تهران به صورت الگوی خوشه‌ای می‌باشد. مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۶ و ۷ با کمترین نسبت بافت فرسود در کنار مناطق مشابه خود قرار دارند (Low-Low). در مقابل ۶ منطقه (۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) با بیشترین نسبت بافت فرسود در کنار مناطق همانند خود قرار دارند (High-High) که این تفاوت معنادار است. از نظر شاخص خودهمبستگی فضایی مورانز الگوی پراکنش فضایی نسبت



پسماند شهری در مناطق شهری تهران به صورت الگوی خوشه‌ای می‌باشد. منطقه ۱ تهران از نظر شاخص محلی پیوند فضایی (لیسا) با بیشترین میزان پسماند در کنار یک منطقه‌ی مشابه به خود قرار گرفته است (High-High) و دو منطقه در تهران با نسبت پسماند پایین در مجاورت مناطق مشابه به خود قرار گرفته‌اند (Low-Low). همچنین گروه‌های شغلی قانون‌گذاران، تکنسین‌ها، کارمندان، کارگران ساده، بازنشسته‌ها و متراژ امکانات و فضاهای ورزشی براساس شاخص مورانز آی، الگوی توزیع فضایی تصادفی را در شهر تهران نشان می‌دهد.

شکل ۵. الگوی پراکنش فضایی متغیرهای پژوهش براساس شاخص مورانز آی



خدماتی		
<p>توزیع فضایی قیمت مسکن در سال ۱۴۰۰</p>	<p>توزیع فضایی نسبت بازنشسته‌ها</p>	<p>توزیع فضایی نسبت کارگران ساده</p>
<p>توزیع فضایی میزان بافت‌های فرسوده</p>	<p>توزیع فضایی نسبت آپارتمان نشینی</p>	<p>توزیع فضایی قیمت مسکن در سال ۱۳۹۶</p>
<p>نکته: در تمام نقشه‌ها: رنگ سفید (مکان‌های بدون همبستگی محلی قابل توجه)، رنگ قرمز (مکان‌های با ارزش بالا و همسایگان مشابه)، رنگ آبی تیره (مکان‌های با ارزش پایین و همسایگان مشابه)، رنگ آبی روشن (مکان‌های با ارزش بالا و همسایگان مشابه)، رنگ صورتی (مکان‌های با ارزش بالا و همسایگان با ارزش پایین)، و رنگ سیاه (عدم پیروی از هیچ)</p>		

الگوی (گویی) است.		
	توزیع فضایی متراژ امکانات و فضاهای ورزشی	توزیع فضایی نسبت پسماند

شکل ۶. توزیع فضایی متغیرهای پژوهش براساس شاخص لیسا (LISA)

### نتیجه‌گیری

شهر تهران به عنوان اولین کلانشهر ایران در طی دهه‌های اخیر دچار قشربندی‌های اجتماعی و جدایی‌گزینی‌های شهری شده است. بررسی نابرابری اجتماعی - فضایی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، تصویری از میزان و شدت نابرابری اجتماعی - فضایی افراد در دسترسی به خدمات به‌دست می‌دهد که می‌توان با استفاده از آن نقاط جدایی‌گزین شده را شناسایی کرد و با توجه به شرایط هر محیط برای تعدیل این جدایی‌گزینی، راهکارهایی ارائه داد.

نتایج نشان داد، نواحی شمالی و جنوبی شهر تهران از نظر وضعیت شاخص‌های میزان باسوادی، قیمت زمین، پسماند شهری، نسبت اشتغال، افراد خانه دار، متخصصان، صنعتگران، کارگران ساده، میزان بافت فرسوده و نسبت آپارتمان‌نشینی شرایط نامتوازن و ناهمگونی را تجربه می‌کند. الگوی توزیع فضایی متغیرها در مناطق ۲۲ گانه بیانگر این است که شهر تهران گرایش به دو قطبی شدن بخش شمال - جنوب دارد. از نظر توزیع فضایی نسبت قانون گذاران، تکنسین‌ها، کارمندان، بازنشسته‌ها و متراژ امکانات و فضاهای ورزشی بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و الگوی تصادفی بر آن حاکم بود. در مجموع می‌توان گفت اگرچه نسبت اشتغال و گروه‌های نسبت خانه‌داری، متخصصان، صنعتگران، کارگران ساده و متغیرهای میزان باسوادی، نسبت آپارتمان‌نشینی، میزان بافت فرسوده و میزان پسماند و قیمت زمین در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ با شدت و ضعف متفاوت حالت خوشه‌ای دارند اما گروه‌های تحصیلی باسواد، نسبت اشتغال، نسبت آپارتمان‌نشینی، قیمت زمین و گروه شغلی کارگران ساده بیشترین تراکم فضایی با گروه‌های مشابه و جدایی‌گزینی فضایی را دارند. این یافته‌ها با نتایج برخی مطالعات پیشین (غفاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ قلعه‌نویی و ثابت، ۱۳۹۸؛ موسوی و صمدی، ۱۳۹۷؛ مباشرامینی، ۱۳۹۶؛ فلیپ و همکاران، ۲۰۲۲؛ بهاراتی و

همکاران، ۲۰۲۲؛ روبرتو و کاورگلن، ۲۰۲۱ و اوترو و همکاران، ۲۰۲۰) مطابقت و همخوانی دارد. همان‌طور که وبر، محل اقامت را به‌عنوان یکی از نمادهای منزلتی گروه‌های منزلت در نظام اجتماعی برمی‌شمارد. از نظر او شهر توسط گروه‌های منزلتی و طبقات به فضاها متمایز و نابرابر تقسیم می‌شود. گروه‌های متفاوت یا افرادی که با منافع گوناگون می‌توانند پایه‌ی ایجاد تضادها و برخوردهای اجتماعی باشند. پایه روابط متضاد می‌تواند در تفاوت‌های اجتماعی، مادی و ... نهفته باشد. سه عنصر همپوشان قشریندی اجتماعی (قدرت، منزلت و حزب) می‌توانند به تعداد زیادی از موقعیت‌های ممکن در جامعه منجر شوند. طبقاتی که بنیاد تعریف آن‌ها تملک ثروت است و موقعیت طبقاتی آن‌ها قبل از هر چیز از نظر مالکیت مشخص می‌شود، طبقاتی که بنیاد تعریف آن‌ها شیوه‌های دسترسی است و شانس‌های افراد در استفاده از اموال و کالاهای موجود قبل از هر چیز موقعیت طبقاتی آن‌ها را تعیین می‌کند و طبقاتی که بر مجموعه موقعیت‌های طبقاتی مبتنی هستند و بین آن‌ها مبادلات است، منجر به دسترسی اجتماعی - فضایی نابرابر به خدمات می‌شوند. براساس رویکردهای مطالعه رفتارهای گروه‌های اجتماعی نیز در هنگام انتخاب محل سکونتشان حداقل بر چهار ساز و کار متفاوت، ترجیحات شخصی بازار کار، بازارهای زمین و املاک و سیاست‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌ها متمرکز است. هاروی ماهیت مشخص و متمایز زمین را کالایی در جامعه سرمایه‌داری ذکر کرد. زمین امکان نگهداری دارایی و بالا رفتن ارزش آن را فراهم می‌کند؛ و نهایتاً به طور نسبی جاودانه است؛ زیرا شکل بهسازی شده‌ی آن (مثلاً ساختمان) مدت زمان مدیدی دوام می‌آورد. او بر این نکته تأکید داشت که این سرمایه‌گذاری به این دلیل که باعث می‌شود بخش عظیمی از سرمایه معمولاً برای محیط مصنوع صرف می‌شود، هم در عملکرد اقتصاد سرمایه‌داری بسیار موثر است و هم میراث نسبتاً بادوام فیزیکی یا مادی برجای می‌گذارد.

بنابراین نابرابری اجتماعی در بین مناطق مختلف، امکان تحرک اکولوژیکی را برای برخی اقشار جامعه غیرممکن می‌سازد. می‌توان گفت جدایی‌گزینی فضایی شهری مانعی قابل توجه برای دستیابی به شهری فراگیر، همه‌شمول، منسجم و یکپارچه است، و این عدم انسجام و یکپارچگی شهری پیامدهای منفی و اثرات غیر قابل جبرانی به

همراه خواهد داشت که تمام ساکنان شهری را در بر می‌گیرد. در صورتی که توسعه متعادل و هماهنگ مناطق، یک پیش نیاز بسیار مهم برای حصول پایداری اجتماعی و پیشرفت یکپارچه شهر است. زیرا آنچه مسلم است، این که پایداری اجتماعی شهری گونه‌ای از توسعه پایدار است که محیط‌ها و فضاها را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، توزیع بهینه امکانات و خدمات به گونه‌ای هدایت شود که به نفع همه‌ی قشرها و گروه‌های اجتماعی باشد و عدالت اجتماعی و فضایی تحقق یابد. پذیرش این اصل که توسعه پایدار و پایداری اجتماعی شهری مستلزم برقراری عدالت اجتماعی و فضایی در شهرهاست، رفع نابرابری‌ها فضایی در حوزه‌های مختلف و توزیع بهینه خدمات و امکانات، توجه به نیازهای اساسی شهروندان، هر چه بیشتر به اهمیت نگرش به توسعه پایدار و پایداری در شهرها می‌افزاید. هاروی عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانه‌ی منابع و امکانات شهری می‌داند که بتواند به گونه‌ای هدایت شود که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آن در ابعاد مختلف برآورده شود. همچنین اهمیت اجتماعی شغل در تخصیص متفاوت کار پنهان است. ساختار شغلی نظم و سلسله مراتب اجتماعی را منعکس می‌کند و شغل نشان دهنده فاصله اجتماعی بین افراد حرفه‌های مختلف است. شغل نشان‌دهنده تعاملات بین گروهی و همچنین نشان دهنده فاصله اجتماعی در سراسر فضای مسکونی است. در این فرآیند، فضا هم علت و هم نتیجه جدایی‌گزینی اجتماعی در شهر است. بالاترین گروه‌های شغلی (همچون متخصصان) و پایین‌ترین گروه‌ها (گروه شغلی کارگران ساده) نماد جدایی‌گزینی فضایی هستند. شغل، مفهوم پارک (۱۹۲۶) از فضای اجتماعی را بهتر از سایر متغیرهای اجتماعی-اقتصادی منعکس می‌کند (بلومن و ضمیر، ۲۰۰۱).

فضای شهری تهران سرشار از عدم تعادل‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی شده است. بازتاب این مسئله در جدایی‌گزینی فضایی منعکس گردیده، که به تمرکز فقر و محدودیت‌ها منجر شده است، و در نهایت ساختار اجتماعی، فرهنگی و فضایی شهر را متأثر ساخته است (رفیعیان و زاهد، ۱۳۹۹: ۲۱۸). تمرکز فقر در مناطق خاص به گتوهای شهری می‌انجامد، و آنچه که در واقعیت وجود دارد روز به روز بر نابرابری فضایی افزوده شده و این شکاف فضایی عمیق‌تر می‌شود.

بنابراین نیاز امروز ما طراحی فضاهایی از شهر است که بتواند به‌خوبی کار کند، برای استفاده‌کنندگان فضا و مردم مطلوب باشد و اثرات محیطی مثبت و غیر مخربی را به همراه داشته باشد از این رو می‌بایست محرومیت‌ها و کمبودهای مناطق مختلف را رفع نمود که این امر سیاست‌های منسجم مدیریتی شهری را می‌طلبد از جمله: ایجاد مراکز متعدد شهری، توجه به نیازهای اساسی گروه‌های اجتماعی، توزیع مناسب خدمات و مکان‌های عمومی و تفریحی، استفاده از سیاست‌های تشویقی در بافت‌های نابسامان شهر، برابری و همگون‌سازی جمعیت و فعالیت در فضا و در همه نواحی و محله‌های شهر و در کل ایجاد یک شهر منسجم، یکپارچه و همه‌شمول است. یکی از راه حل‌های کاربردی برای تحقق یک شهر منسجم، یکپارچه و همه شمول، می‌تواند گسترش جغرافیایی فرصت‌ها باشد. بنابراین با گسترش جغرافیای فرصت‌ها امکان بهبود دسترسی به منابع و خدمات در مناطق شهری به شکل برابرتر بیشتر امکان‌پذیر است و به این شیوه می‌توان به کاهش نابرابری‌های فضایی شهری کمک کرد. با تمرکز بر گسترش جغرافیای فرصت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت شهری، فرصت‌های و مزایا به نحوی علانه توزیع خواهند شد. با اقتصاد سیاسی شهر تهران بازار آزاد مسکن و مستغلات و سرمایه حول تمرکز بر مناطق خاصی متمرکز می‌گردد. لذا مدیریت شهر باید با راهبرهای منسجم تا حد ممکن و از طریق گسترش جغرافیای فرصت منابع عمومی و دولتی اثرات این بازار را به حداقل برساند. در این راستا باید هزینه‌ها و بودجه‌های دولتی بیشتر معطوف به ارائه خدمات عمومی و مبتنی بر «مصرف جمعی» در مناطق کمتر برخوردار و مناطقی که از نظر سرمایه‌گذاری جذابیت خاصی برای سرمایه‌گذاران خصوصی ندارد متمرکز باشد.

## منابع

- امیری، نادر و رضاپور، آرش (۱۳۹۱)، هنری لفور و تولید فضای اجتماعی، جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره ۴، ۱۷-۱.
- راغفر حسین، محمدی فرد زهرا، سنگری مهذب کبری (۱۳۹۲). اندازه‌گیری فقر چند بعدی در شهر تهران، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، شماره ۱۳، ۱۶-۱.

- رفعیان، مجتبی و زاهد، نفیسه (۱۳۹۹)، سنجش جدایی‌گزینی فضایی شهر قم و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر، *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، سال ۱۰، شماره ۳۵، ۲۳۸-۲۱۷.
- ساوج، مایک و آلن وارد (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه: ابوالقاسم پوررضا، تهران: سمت.
- شفیعی، امیر، عبدی دانشپور، زهره (۱۳۹۸). ارزیابی سیاست‌گذاری مسکونی در شهر تهران در رویارویی با نابرابری فضایی، *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۱، ۱۳۲-۷۳.
- عبدی دانشپور، زهره. (۱۳۸۵). تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیراشهری؛ کوششی در استفاده از رهیافت برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در تهران، *فصلنامه هنرهای زیبا*، شماره ۳۶، ۱۴-۱۵.
- عبدی، محمدعلی، مهدی‌زادگان، سیما و کردی، فرزانه (۱۳۹۰). شش دهه برنامه‌ریزی مسکن در ایران (۱۴۸۷-۱۳۲۷)، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- غفاری گیلانده، عطا، نظم فر، حسین، محمدی، علیرضا، ده‌ده زاده سیلابی، پروین. (۱۳۹۹). تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی با تأکید بر شاخص‌های کیفیت مسکن (نمونه موردی: مناطق شهری اردبیل)، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، شماره ۲۲، ۲۶۴-۲۵۱.
- فکری، محمد (۱۳۹۲). پرونده ویژه بررسی کتاب *حق به شهر: ریشه‌های شهری*، بحران‌های مالی، شماره ۶۶، ۷۶-۷۴.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نی.
- قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۶)، طرح پژوهشی گونه‌شناسی محلات تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، کتابخانه مرکز.
- قلعه‌نویی، محمود، ثابت، سارا. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی در شهر اصفهان، *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، شماره ۶، ۸۸-۷۱.
- لطیفی، غلامرضا و باباگلی، مژده (۱۳۹۳). بررسی فضاهای نابرابر شهری در تهران، *برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، شماره ۱، ۱۲۶-۱۰۲.
- مباشر امینی، مسعود. (۱۳۹۶). مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی محلات ۱۳ گانه شهرداری منطقه ۱۲، *پژوهش اجتماعی*، شماره ۳۷، ۸۰-۶۳.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱). *تهران ظهور یک کلانشهر*، ترجمه: حمید زرآزوند. انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- مشکینی، ابوالفضل و رحیمی، حجت‌اله (۱۳۹۱). جدایی‌گزینی در مادرشهرها: تحلیلی بر جغرافیای اجتماعی مادرشهر تهران، برنامه ریزی و آمایش فضا، شماره ۴، ۱۰۷-۸۶.
- موسوی، سید یعقوب و صمدی، علی (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری اجتماعی و اقتصادی در دسترسی و استفاده از فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی شهر تهران)، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره ۸، ۶۲-۳۱.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۷). بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی محله‌ای، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۲، ۱۲۳-۹۹.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۷). شهری شدن سرمایه: چرخه دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع، ترجمه: عارف‌قوامی مقدم، تهران: اختران.

- Afroogh, E. (1997). **Space and Social Inequalities: The Study of Spatial Segregation and Poverty Concentration in Residential Neighborhoods of Tehran**, Phd Thesis in Sociology, TarbiatModares University, Faculty of Humanities
- Anderson, E. (1999), **Code of the street: Decency, violence, and the moral life of the inner city**, New York.
- Bharathi N, Malghan, D, Mishra S and Rahman A. (2022) Residential segregation and public services in urban India. **Urban Studies**. doi:10.1177/00420980211072855
- Blumen, Orna; Zamir, Iris (2001). Two Social Environments in a Working Day: Occupation and Spatial Segregation in Metropolitan Tel Aviv. **Environment and Planning A**, 33(10), 1765-1784.
- Bourdieu, Pierre (2000). **Acts of Resistance: Against the New Myths of Our Time** Cambridge: Polity Press.
- Cassiers, T and Kesteloot, C. (2012). Socio-spatial Inequalities and Social Cohesion in European Cities. **Urban Studies**, 49(9), 1909-1924
- Clark, W.A.V. (1991) Residential preferences and neighborhood racial segregation - a test of the Schelling segregation model, **Demography**, 28(15), 1-19
- Feitosa, F, (2010), Global and Local Spatial Indices of Urban Segregation. **Forthcoming in the International Journal of Geographical Information Science**. 21(3), 299-323.
- Felipe G. Operti, André A. Moreira, Andrea Gabrielli, Hernan Makse, José S. Andrade Jr(2022) Dynamics of racial segregation and gentrification in New York City, **The Physics of Cities**, <https://doi.org/10.3389/fphy.2021.777761>
- Gabriel Otero, Beate Volker & Jesper Rozer (2021) Space and social capital: social contacts in a segregated city, **Urban Geography**, DOI: 10.1080/02723638.2021.1950982



- Gerometta, Julia, Hartmut Haussermann, and Giulia Longo (2005). "Social Innovation and Civil Society in Urban Governance: Strategies for an Inclusive City", **Urban Studies**, 42(11), 200- 221.
- Glynn, S. (2010), "Playing the Ethnic Card: Politics and Segregation in London's East End", **Urban Studies**, 10(5), 991-1013.
- Goyal, S., and Ghiglino, C. (2010), "Keeping up with the neighbors: social interaction in a market economy", **European Economic Association**, 5(1), 90-119.
- Greenstein, R., Sabatini, F., & Smolka, M. (2000). Urban Spatial Segregation: Forces, Consequences, and Policy, Responses. **Land Lines**, 12(6), 7-9
- Gurb, E. (2007). Some Principles of Stratification, **American Sociological Review**, 10 (2), 242-249
- Gursky, D. (1994). **Social Stratification Class, Race and Gender in Sociological Perspective**. Westview Press 1994
- Han, S. (2022). Spatial stratification and socio-spatial inequalities: the case of Seoul and Busan in South Korea. **Humanit Soc Sci Commun**, 9(22), 192-220
- Huggins, R, and Piers Th (2015). Culture and Place-based Development: A Socioeconomic Analysis. **Regional Studies** 49(1), 130-59.
- Lefebvre, H (2003), "**The Urban Revolution**", translated by: Robert Bononno, University of Minnesota Press.
- Lefebvre, H. (1991), "**The Production of Space**", translated by: Donald Nicholson Smith, Oxford, Blackwell.
- Lobao, L (2004). Continuity and Change in Place Stratification: Spatial Inequality and Middle Range Territorial Units, **Rural Sociological Society** 69(1), 1-30.
- Maffini, L and Maraschin, C. (2018). Urban Segregation and Socio-Spatial Interactions: A Configurational Approach. **Urban Science**. 2(3), 55-316
- Manderscheid, K (2009). Integrating Space and Mobilities into the Analysis of Social Inequality, **Distinktion: Scandinavian Journal of Social Theory** 10(1), 7-27.
- Massey, D.S. (1981). Social Class and Ethnic Segregation: A Reconsideration of Methods and Conclusions, **American Sociological Review**, 46(5), 641-650.
- Massey, D.S., and Denton, N.A. (2001), "**American Apartheid: Segregation and the Making of the Underclass**", Massachusetts, Harvard University Press.
- Nightingale, C., (2012), "**Segregation: A Global History of Divided Cities**", New York: The University of Chicago Press.
- Pereira, P. (2021). Spatial Segregation: The Persistent and Structural Features of Exclusionary Policies. In: Leal Filho, W., Marisa Azul, A., Brandli, L., Lange Salvia, A., Özuyar, P.G., Wall, T. (eds) **Peace, Justice and Strong Institutions. Encyclopedia of the UN Sustainable**

- Development Goals.** Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-95960-3\\_21](https://doi.org/10.1007/978-3-319-95960-3_21)
- Piekut, A. (2021). Re-Theorising Spatial Segregation: A European Perspective. In: Pryce, G., Wang, Y.P., Chen, Y., Shan, J., Wei, H. (eds) **Urban Inequality and Segregation in Europe and China. The Urban Book Series.** Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-030-74544-8\\_2](https://doi.org/10.1007/978-3-030-74544-8_2)
- Pløger, J (2008). **Foucault's Dispositif and the City.** Plan. Theory, 7 (12), 51–70.
- Préteceille, E. (2021). Has EthnoRacial Segregation Increased In The Greater Paris Metropolitan Area. **Revue Française De Sociologie**, 23 (52), 31–62.
- Roberto, E., Korver-Glenn, E. The Spatial Structure and Local Experience of Residential Segregation. **Spat Demogr**9, 277–307
- Sampson, Robert. (2009). “Disparity and Diversity in the Contemporary City: Social (Dis)Order Revisited.” **British Journal of Sociology**, 60(1), 1–31. DOI: 10.1111/j.1468-4446.2009.01211.x
- Sampson, Robert. (2012). **Great American City: Chicago and the Enduring Neighborhood Effect.** Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Schelling, T.C. (1971), “Dynamic models of segregation”, **Mathematical Sociology**, 2(1): 143-186.
- Sonn J. W. (2010) Contesting state rescaling: an analysis of the South Korean state’s discursive strategy against devolution, **Antipode**, 42 (43): 1200–1224.
- Van Ham M. and Feijten P.M. (2008) Who wants to leave the neighbourhood? The effect of being different from the neighbourhood population on wishes to move. **Environment and Planning A** 40(5), 1151-1170.
- Van Ham M. and Tammaru T. (2016) **New perspectives on ethnic segregation over time and space.** adomains approach. Urban Geography.
- Van Kempen, R., and Muriethe, A. (2009). New Divided City: Changing Patterns in European Citiesteg, **Royal Dutch Geographical Society Knag, Blackwell Publishing Ltd**, 100 (4), 377-398.
- Van Kempen, R., and Wissink, B. (2014). Between places and flows: Towards a new agenda for neighbourhood research in an age of mobility. *Geografiska Annaler: Series b*, **Human Geography**, 96(2), 95–108.
- Wilson, George (2008). The Sociology of Spatial Inequality. **Annals of the Association of American Geographers**, 98(2), 500–522
- Wixe, S. and Pettersson, L (2020). Segregation and individual employment: a longitudinal study of neighborhood effects. **Ann Reg Sci** 64 (7), 9–36.

### COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

